

باشد یا نه از پرداخت مالیات مقررده معاف باشد و بموجب شکایات واصله مامورین دولت در موقع اجرا برخلاف عمل کرده و اسباب زحمت تجار را فراهم نموده اند قدغن نمایند مامورین بدون هیچ گونه تخلف مطابقاً اجرا کنند .

کیخسرو شاهرخ - رضا افشار - عراقی - سید حسن زعیم - شکرالله قوام صدوری - آشتیانی - عظیمی - تقی بهار - بهبهانی - حسن الحسینی - اسماعیل فشقائی - رضوی - ناصر ندرمانی - سلیمان محسن - مصطفی بهبهانی از مذلور قانون نباید تجاوز شود مدرس .
رئیس - آقای رضوی (اجازه)

رضوی - بنده این تقاضا را امضا کرده بودم ولی بعد کمالنل ماک کرمک رفت رفت و رفع نگرانی تجار را کرد و تلگراف رضایتی هم از تجار رسید و از این جهت بنده امضاء خودم را پس میکیم
رئیس - لایحه راجع بکارخانه سانطونین سازی معلوم نشد بکدام کمیسیون باید برود؟

وزیر فواید عامه - بکمیسیون فواید عامه؟
رئیس - بکمیسیون فواید عامه؟
بعضی از نمایندگان - بلی (مجلس یک ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی
حسین پیرنیا
مشی - م شهاب
مقشی - دکتر احتشام طباطبائی

جلسه یکصد و هشتاد و ششم
صورت مشروح مجلس
یکشنبه هفتم تیر ماه ۱۳۰۴
مطابق ششم ذیحجه
سنه ۱۳۴۳

مجلس سه ساعت قبل از ظهر بر ریاست آقای حسینخان پیرنیا تشکیل و صورت مجلس سه نهم دوم تیر ماه را آقای میرزا شهاب الدین قرائت نمودند

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

طهرانی - علی العجانه عرضی ندارم
رئیس آقای دست غیب .
دست غیب بنده همچو شنیدم که آقای مساوات را باز غائب بی اجازه ثبت کرده اند بعضی از نمایندگان - با اجازه
دست غیب - نمیدانم شاید بر من مشتبه شده باشد ولی اگر غائب بی اجازه ثبت شده باشد بنده مخالفم .

آنروز هم که بنده مخالفت کردم برای این بود که آقای مساوات ناخوش است و واصلاً رأی در ناخوشی دادن غلط است و نباید در مجلس رأی گرفته شود .
رئیس یک اجازه خواسته بودند باید تجدید اجازه شود .

دست غیب - محتاج با اجازه نیست
رئیس بکمیسیون هم مراجعه شده است در جلسه به من مطرح میشود اگر اجازه داده شد اصلاح خواهد شد

آقای امامی خوئی (اجازه)
آقا میرزا جواد خان امامی - قبل از دستور عرضی دارم

رئیس آقای شوشتری
شوشتری - قبل از دستور
رئیس - آقای آقاسید یعقوب
آقاسید یعقوب - در صورت جلسه نوشته است اعضاء کمیسیون هدلیه سه نفرند خواستم تذکر بدهم که دو نفر آنها مستعفی هستند و یک نفر آنها که آقای مصدق السلطنه باشند تشریف نمی آورند ولی هنوز استعفا نداده اند

خواستم برای اطلاع عرض کنم یکی آقای آشتیانی بوده است و یکی هم آقای حاج سیدالمحققین یکی هم آقای مصدق السلطنه که تشریف نیاورده اند اما هنوز کمیسیون عذر ایشان را قبول نکرده است .
دو نفر هستند

رئیس - این ایرادیکه فرمودید راجع بصورت مجلس نبود
آقاسید یعقوب - چرا سه نفر نوشته شده
رئیس - در جلسه گذشته اشتباهاً سه نفر گفته شد

آقای آقا شیخ فرج اله (اجازه)
آقا شیخ فرج اله - عرض من هم همین بود و دو نفر است .

رئیس آقای رضوی (اجازه)

رضوی - در لایحه قند بنده آنروز عرض کردم و آن طرح راهم امضاء کرده بودم ولیکن عرض کردم مخالفت بنده بمناسبت شکایات تجار بود و چون رفع شکایات آنها شده دیگر مخالفتی ندارم این را در صورت مجلس درج نکرده اند و باید درج شود

رئیس آقای دکتر محمدخان مصدق
دکتر محمدخان مصدق - بنده عرضی ندارم میخواستم عرض کنم استعفا نکرده ام بواسطه گرما موقتاً نیامده ام بعد خواهم آمد
رئیس - صورت مجلس دیگر ایرادی ندارد؟

(گفته شد : خیر)
رئیس آقای امامی (اجازه)

آقا میرزا جواد خان امامی تقریباً در هشت نه ماه قبل یک طرحی راجع به معافیت سلب اسلحه و قسمتی از خوئی بمجلس تقدیم شد و از طرف کمیسیون مبتکرات رأی آن به مجلس آمد و قابل توجه شد و بنام کمیسیون قوانین مالی

مراجعه بشود از آن وقت بکمیسیون قوانین مالیه مراجعه شده و تا کنون نتیجه و راپورت آن بمجلس نیامده از مقام محترم ریاست خواستم تقاضا کنم بکمیسیون تذکر بدهند که زودتر راپورت آن را بمجلس تقدیم کنند

رئیس - آقای شوشتری (اجازه)

شوشتری - خواستم عرض کنم عرایضی در آن جلسه کردم راجع بتسریع امور و تحکیم قانون بوده اعتراضی باصل قانون نبود

درائر مرثیات و مشهودات خودم که دوازده سال در عدلیه عمل کرده ام خواسته عرض کنم از طرف مجلس شورای ملی بوزیر عدلیه یا معاون او تذکر داده شود محاکمات را تسریع کنند که مردم بی چاره که میروند زودتر بجوای خود برسند و زودتر موفق بشوند بمحکوم بودن یا به بودن یا عدلیه بودن عرض دیگری ندارم

رئیس - چند فقره خبر از کمیسیون مرخصی رسیده است اجازه میفرمائید قرائت شود
(بشرح آتی قرائت شد)

آقای میرزائی نماینده محترم بواسطه پیش آمدهای فوق العاده در مشهد مجبور بحرکت شده تقاضا نموده اند از زمان حرکت تا سه ماه غائب با اجازه محسوب شوند کمیسیون عذر ایشان را موجه دانسته تصویب مینماید .

رئیس - آقایانی که مرخصی سه ماهه آقای میرزائی را تصویب می کنند نیام فرمائید

(اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد خبر دیگر (بمضمون ذیل قرائت شد)

آقای مساوات نماینده محترم شرحی بمجلس شورای ملی عرض و اظهار نموده اند که مرض سینیه و تب عارضه شدت پیدا کرده که قوه حرکت و آمدن بمجلس در من باقی نگذاشته و استدعای یک ماه مرخصی نموده اند برای معالجه کمیسیون عذر ایشان را موجه و مشروع دانسته ۳۰ خرداد مرخصی یک ماهه آقای مساوات را تصویب مینماید .

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - بنده در اصل موضوع مخالف نیستم در اجازه دادن از طرف مجلس مخالفم نه باین که نباید با آقای مساوات اجازه داده شود .

زیرا منطقاً و برهاناً این رأی که مجلس میدهد بعقیده بنده غلط است . اگر برای کارهای شخصی بود البته باید مجلس اجازه بدهد ولی چه مجلس رأی بدهد یا ندهد ایشان ناخوش هستند (همهمه بین نمایندگان)

دست غیب - اجازه بدهید عرض کنم مانمی که ندارد بعد حرف بزید این اصل را بمجلس نیاید رأی بدهد زیرا بمجلس رأی بدهد ناخوشی میآید بمجلس رأی ندهد ناخوشی میآید اگر بنا شود ناخوشی را بمجلس اجازه بدهد این رأی منطبق ندارد کما اینکه بنده در آن جلسه هم باین عنوان مخالفت کردم والا تا وقتی که آقای مساوات ناخوش است نباید غائب با اجازه ثبت شود ناخوشی عذر موجه است .

رئیس - در نظرنامه نوشته شده است بدون اذن و اجازه مجلس کسی نمی تواند غیبت کند و عذرش هم باید موجه باشد
تشخیص عذر موجه هم بمجلس است آقایانی که مرخصی یک ماهه آقای مساوات را تصویب می کنند قیام فرمائید

(اغلب نماینده کان قیام نمودند)
(خبر دیگر راجع بمرخصی آقای حائری زاده بشرح بل خوانده شد)

آقای حائری زاده نماینده محترم بواسطه فوت یکی از بستگانش در مشهد مقدس مجبور بحرکت بارض اقدس شده اند برای آوردن خانواده و از مرخصی سه ماهه سابق خود هم بیش از ۳۶ روز استفاده نموده اند تقاضا نموده اند بقیه مدت مرخصی سابق را که ۴۰ روز است بمجلس مجدداً اجازه دهد که غائب با اجازه محسوب شوند .

کمیسیون هم تقاضای ایشان را مشروح دانسته پنجشنبه چهار روز غیبت آقای حائری زاده را از تاریخ ۳۱ خرداد تصویب مینماید .

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده موافقم اگر مخالفی دارد عرض کنم
رئیس - آقایانی که مرخصی پنجشنبه و چهار روز آقای حائری زاده را تصویب میکنند قیام فرمائید

(عده کثیری قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد

(ایضاً راپورت راجع بمرخصی آقای تجدد بترتیب ذیل قرائت شد)
آقای تجدد نماینده محترم نظر به

رفتاری های شخصی مجبور بمسافرت مازندران گردیده اند و از مجلس شورای ملی تقاضای ایشانرا بپیمورد ندانسته دو ماه تصویب مینماید که از تاریخ دهم تیر ماه غائب با اجازه ثبت شوند

رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)
آقاسید یعقوب - بنده خواستم از مخبر کمیسیون سؤال کنم که آقای تجدد تا بحال اجازه نخواسته اند و حال سه ماه هم بیشتر اجازه نخواسته اند در اینموضع سه ماه را دو ماه کرده اند فلسفه دانسته است باید

از عهده خسارت صاحب امتیاز آرید یا اینکه هر وقت بخواهد از نظر سیاسی هانطوری که آقای وزیر فواید عامه اظهار کردند اینرا بگوید منتقل کند ملزم باشد از عهده خسارت این شخص برآید لذا در این ماده پیش بینی شده که چون راه مسئله عامی است و همیشه باید در تحت نظر دولت باشد هر وقت مقتضی دیدو سیاستش این شد که در دست خودش باشد و در دست تبه نباشد

دولت پیشنهادی کرد و کمیسیون هم موافقت کرد که چون البته اینجا جهت عامه است باید منافع عامه را مقدم داشت دولت حق داشته باشد اینرا بگوید منتقل شود با بدهد لکن باید آن مصادره که باید این است حالا اگر فی الجمله در عبارت سلامتی نباشد اشکالی ندارد بجهت اینکه همانطوریکه آقای مخبر بیان کردند مطلب را می پروراند یعنی دولت حق دارد که هر وقت می خواهد بگوید منتقل کند با دادن خسارتیکه باو وارد آمده است این جزء اول است جزئیاتی هم آنوقت است که دولت بخواهد احداث راه کند و باج راه را حذف کند و باید آن مخارجی که آن شخص کرده بدهد حالا اگر عبارت سلامتی نباشد گمان نمیکنم معطل ابراد باشد واصل مطلب این است

رئیس آقای نظامی (اجازه) نظامی - اگر چه آقای کازرونی طوری فرمودند که مطلب معلوم نشد حواستم عرض کنم که رضایت صاحب امتیاز هم باید اینجا باشد وزیر فواید عامه - اساساً باید دانست که این یکی از اصول مسامه است که راه یکی از چیزهاییست که دادن امتیاز فطرت است زیرا حتماً باید راه را در ملکیت دولت بسازد و حتماً هم مجانی با اختیار مردم بگذارد.

پس اصولاً دادن امتیاز راه فطرت است چنانکه مکرر بنده مورد پیدا کردم و بعضی آقایان نمایندگان رساندم اغلب آقایان هم تصدیق فرمودند دادن امتیاز راه غلط است علتش هم با خودش است زیرا هیچکس حاضر نیست یولی از کسبه خودش خرج کند و بعد استفاده از آنرا مجانی ببرد و گذار کند این مجال است آنکسی که راه را میسازد البته می خواهد در مقابل خرجی که میکند فایده ببرد و از نقطه نظر مملکت و تسهیلات برای مردم و ترقی تجارت و هر نظریکه ملاحظه بفرمایند راه باید برای مردم مجانی باشد ولی فعلاً ما وسائل ساختن راههای مملکت خودمانرا نداریم که بگوئیم ما راههای اصلی خودمان و هم راههای فرعی خودمان را بخرج دولت خواهیم ساخت و بدهیم

مجانمی میکنند علی الخصوص که ما هنوز موفق نشده ایم که باج راهها را که دولت اخذ میکند موقوف کنیم و از آن طرف هم تا ما با بی راهی باید زنده گانی کنیم و تا کی باید صبر کرد و هیچ راه نساخت؟ بانتظار وقتی که قدرت و استطاعت پیدا کنیم و راه خوب درست کنیم؟

بنابر این چرا مملکت را از استفاده داشتن راه در آتیه محروم کنیم؟ پس فعلاً هر کسی می خواهد خطوط فرم بر باو امتیاز میدهم اما چون مدت امتیاز چهار سال است و البته امیدواری داریم که در ظرف این مدت ترقی مالی و اقتصادی در مملکت ماطوری خواهد شد که مستغنی خواهید بود از اینکه عوائدی از راهها بگیریم لذا در امتیاز راههایی که میدهم باید این حق را برای دولت محفوظ بداریم که همیشه دولت حق داشته باشد بخرد.

این یک مورد مورد دیگری هم هست و آن این است که وقتی که دولت تصمیم بگیرد که اصلاً باجها را ملغی کند (ممکن است) شاید دولت پس از یکسال دو سال امیدواری می رود بعد از تصویب لوائی که پیشنهاد شده است موفق شود با جهاتی را که در راهها میگیرند موقوف کند آنوقت بگوید مطابق این اصل کلی باید در این راه هم باج موقوف شود آنوقت وضع صاحب امتیاز چیز غریبی خواهد شد

یک یولی خرج کرده و باید همینطور که دولت حکم کرده باج در تمام راهها ملغی شود اینرا هم از راههای عمومی است و البته باید باج آن ملغی شود آنوقت یک یولی از کسبه اش رفته است.

دادگر - بنظر بنده استدلالی که آقای وزیر فواید عامه کردند پیش بینی شده ایشان فرمودند که ممکن است دولت از نقطه نظر تسهیل تجارت بخواهد راهها را آزاد کند و تجارت را تسهیل بکند بنا بر این شرطی لازم است که در این قرارداد باشد که اگر دولت باج ها را معاف کرد اینجا را هم بتواند معاف کند و خسارت آن شخص را بدهد و این فایده را تعمیم کند که استثنائی نباشد.

شده و در همین ماده قید شده است که اگر دولت خواست باج ها حذف کند این راه را هم حق داشته باشد بخودش انتقال بدهد اما اینکه بطور اطلاق گفته شود که دولت هر وقت می خواهد این راه را بخودش منتقل کند بنظر بنده این مسئله یکی از ارکانی است که در هر معامله و قرارداد شرط اصلی است و آن مدت است.

آن کسانی که میبندند و یک مؤسسه و تشکیلاتی درست می کنند باید مطمئن باشند خودش که بضاعت اینک این مؤسسه را از جیب خودش اداره بکند که ندادن ناچار باید شرکتی تأسیس کند در این صورت مردم باید بدانند که این راه دوام دارد و استفاده می تواند بکنند.

اما اگر دولت آمد بدون اینکه ذیالی وجهتی داشته باشد همینطور گذردای بگوید دانست یولی را که صاحب امتیازی برای این راه خرج کرده است باو بدهد و اینرا بخود منتقل می کنم.

بنظر بنده این امتیاز موضوعاً لغو است و هیچوقت هم نمی شود یک سرمایه برای برای آن تدارک ارد. هیچکس هم پیدا نمی شود که برای یک چیز هم مجهولی پول بدهد بنده یک دقه دیگر نظر آقای وزیر فواید عامه را باین نکته جلب می کنم خود ایشان که نادی این بودند که باید راهها ساخته شود و بالاخره این شخص ایرانی است یعنی بنده تنها این ایرانی را دیدم که آمده است اینجا و یک کانه هم گرفته است توی این شاه آباد و بضاعت استر آبادش را هم فروخت باین امید - حالا امیدواری او چیست؟

فقط اینکه هر وقت دولت اراده کند بدون اینکه دلیل و مستندی داشته باشد بخودش منتقل کند؟ بنده تصور نمیکنم این مدت منتظره چهار ساله ایشان هم عبث بوده امتیازش هم لغو خواهد بود.

بنواند راه را بسازد و برای مردم واگذار کند یا آنکه امتیاز بدهد مسلم باید گفت که چنین دولتی باید حتماً خودش راه را درست کند. زیرا راه یک موردی نیست که قابل استفاده باشد بعضی چیزها است که برای هر دولت الزام آور است و باید برای فواید و استفاده عموم دائر شود یکی از آنها راه است در تمام دنیا این اصل مسلم شده که راه باید بخرج و عوائد عمومی ساخته شود و مجاناً برای استفاده عمومی واگذار شود. این هیچ محل کلام نیست.

حالا ما چه مانعی داریم؟ یک مانع داریم که بی یولی است اگر ما پول میباشیم که خودمان راههای شوسه خودمان را می ساختیم آیا نمایندگان معترض هیچ تصویب می کردند که امتیاز راه سازن داده شود کمان می کنیم تصویب نمی فرمودند و اینکه حالا تصویب میکنند و حاضرند که تسویب بکنند سرمایه اشخاص در این قبیل مؤسسات خرج شود برای چیست؟

برای اینست که بالاخره وا گذارند امتیاز را به اشخاص بهتر از بی راهی است درست است که برای مردم تسهیل است ولی با وجود این از بی راهی بهتر است پس هر وقت این موجب فراهم شد برای دولت و هر وقتی که دولت پول این را پیدا کرد که راه را پس از تأدیه سرمایه که سازنده راه خرج کرده و بعد از تأدیه منفعتی که آن شخص در نظر دارد بخود منتقل کند البته حق دارد راه را پس بگیرد و این مسلم است.

زیرا (دو بار عرض می کنم) راه بیکر از مواردی است که نباید اختیارش در دست اشخاص متفرقه باشد بهمان دلیلی که تلگراف و تلفون باید در دست دولت باشد همانطور هم راه نباید در دست اشخاص متفرقه باشد و محکوم قدرات دیگران باشد و محکوم تا کس های مختلف دیگران باشد بهر دلیلی و منتهلی که می خواهید بنده حاضر در هر جا ثابت کنم که راه باید در دست دولت باشد.

پس این یکی از حقوقی است باید در قانون پیش بینی کرد و البته دل بخواه هم نیست. آن موقعی که دل دولت خواست چه موقعی است؟ موقعی است که دولت پول داشته باشد یعنی موقعی که دولت پول داشت بقدری که غلط است؟ بعقیده بنده دادن امتیاز راه غلط است.

این امتیاز را خریداری نماید. آتوقته موقع دل بخواه دولت اس - و این وقت است که سرمایه دولت کافی باشد پس این یکی از حقوقی است که حتماً باید در قانون پیش بینی شود که هر وقت دولت پول داشت که راه را بخرد معالفا می تواند از صاحب امتیاز خریداری کند.

یک مورد دیگر هم هست که آن مورد منفعت است و این امتیاز است و باید پیش بینی شود. خوب دولت و مجلس شورای ملی تصویب کردند مطابق امتیاز نامه صاحب امتیاز باج در راه از مسافران اخذ کند. از طرف دیگر راههایی هم هستند راههای دولتی که باج راه امروز گرفته می شود ولی بالاخره اگر دولت بگوئی یک وسیع مالی پیدا کرد در این خط میل خواهد کرد که باج راهها را موقوف کند در این صورت باستی و وضعیت عمومی در تمام راههای مملکت پیدا شود ولی آن وقت در قسمت مازندران مردم که می خواهند عبور و مرور کنند باید باج بدهند.

این چیز غریبی است بنا بر این در موقع الفاء باجها برای اینکه از یک طرف دولت نتواند بگیرد چون من می خواهم باج راهها را الفاء کنم توهم که صاحب امتیاز هستی باید باج را ملغی کنی و صاحب امتیاز در بخورد و از طرف دیگر برای اینکه در یک مملکت دو ترتیب نباشد باید دولت حق خرید این امتیاز را در هر موقعی که دارائی او اجازه بدهد داشته باشد و باین دو دلیل این ماده تنظیم شده است و خیال میکنم این ترتیب نافع هم باشد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی بعضی از نمایندگان - کافی نیست. رئیس - رأی می گیریم آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند)

رئیس - معلوم می شود کافی است. پیشنهاد آقای شهاب و مواد الحاقیه رسیده است اگر اجازه می فرمائید بماند برای بعد از تنفس.

این امتیاز را خریداری نماید. شهاب تمام این لایحه را متنازل می کند زیرا این حق فسخری که برای دولت قرار داده میشود در هر آتی ممکن است در روز دیگر در ماه دیگر ششماه دیگر. با اینکه هنوز اقداماتی نکرده است دولت حق دارد راه را پس بگیرد و گواصاحب امتیاز این اصلاح را هم قبول کرده است

لکن بعقیده بنده لازم است ماده بیست و چهار به همان شکلی که اول بود ولی این طور که آقای وزیر میفرمایند که اگر اصرار کنید اصل لایحه را استرداد میکنم این یک تهدیدی است برای اینکه من بترسم که مبادا اصل موضوع بهم بخورد و ازین برود باین جهت بنده پیشنهاد خود را استرداد میکنم.

رئیس - با تبصره؟ مخبر - بلی. رئیس - پیشنهاد آقای دامغانی قرائت شود؟ دامغانی - بلی. (شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده بیست و چهار همانطور که طبع شده رأی گرفته شود. رئیس - بفرمائید. دامغانی - دو موضوع را آقای وزیر فواید عامه فرمودند یکی اینکه وقتی دولت بخواهد باج راهها را حذف کند و البته وقتی دولت بخواهد باج راهها را ملغی کند باید حق داشته باشد که این امتیاز را خریداری کند و اینکه فرمودند باج راه اساساً غلط است ما هم تصدیق می کنیم که باج راه غلط است و بیاستی از راه باج گرفته شود

اما متفرع بر اینست که دولت راه را بسازد و باج نکیرد نه اینکه راه ساخته نشده و باج گرفته شود وجود ناقص بهتر از عدم صرف است. امردا تر است بین اینکه راه خراب باشد یا اینکه کسی دیگر راه را بسازد و حق العبور بگیرد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه) آقا سید یعقوب - آقای شریعت زاده اظهار کردند که دولت در صورتیکه بتواند تمام راهها را در دست بگیرد آنوقت حق دارد که اینراه را هم از صاحب امتیاز بخرد.

بعد از اینکه آقای وزیر این مسئله را عنوان کردند و بنده هم سیاست این مسئله را عرض کردم که دولت ناظر بحفظ حقوق جامعه است و بیک راه مخصوصی رادر نظر گرفته است که می خواهد از نقطه نظر سیاست خودش در دست بگیرد اما نمیتوانیم بگوئیم تا وقتی که تمام راهها را خودش در دست نگرفته است حق ندارد اینراه را در دست بگیرد چرا؟

برای اینکه در بعضی موارد لازم میشود که دولت بیک راهی را که هیچ رابطه باجائی ندارد خودش در دست بگیرد و ما نمیتوانیم سیاست دولت را منحصر بگوئیم و بگوئیم این سیاست وقتی صحیح است که دولت تمام راهها را در دست بگیرد آنوقت میتواند اینرا هم خودش در دست بگیرد و آقای وزیر و مخبر هم قبول کردند آن پیشنهادی که آقای آقا میرزا شهاب کردند پیشنهادی که تمام راهها را در دست بگیرد و هم حفظ حقوق صاحب امتیاز را میکند و خود صاحب امتیاز هم عاقل و بالغ کامل است و عقیده بنده این است که مانسبت بمنافع جامعه باید بیشتر علاقه داشته باشیم

وزیر فواید عامه - محض اطلاع آقایان نمایندگان عرض میکنم این ماده که آقای آقا میرزا شهاب پیشنهاد فرمودند و تبصره که اضافه شده است با مشورت صاحب امتیاز و رضایت خود او بوده است که آقای دادگر تهیه کرده بودند و آقای آقا میرزا شهاب اصلاح عبارتی کردند بنا بر این خود صاحب امتیاز باین ترتیب رضایت است و مصالح او هم کاملاً تأمین شده و از طرف دیگر حتی هم برای دولت هست و در حقیقت جامع است و اشکالی ندارد.

رئیس - رأی گرفته می شود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای شریعت زاده. آقایان موافقین قیام فرمایند رئیس - قابل توجه نشد. آقای سهراب زاده. (بطریق ذیل خوانده شد)

بنده ماده بیست و چهار را بطریق ذیل اصلاح میکنم. هر گاه دولت بخواهد راه را اداره نموده و حق العبور را موقوف نماید باید از صاحب امتیاز خریداری نموده و جبران خسارت او را بپردازد. رئیس - بفرمائید. سهراب زاده - اساساً بنده معتقدم که خود دولت باید راهها را اداره کند و بسازد ولی متأسفانه تا کنون نشده و راه

هائی هم که ساخته شده بود و بدولت واگذار شد اوضاع آنها هم چندان رضایت بخش نیست . بنا بر این مجبوراً باید که صلاح مملکت بوده است امتیاز ساختن يك راهی را يك نفر داده اند و هر وقت كه دولت مقتضی بداند راهی را خودش در دست بگیرد این قانوناً برای دولت باز است و هر ساعتی از هر راهی بخواد عبور و مرور کند میتواند ولی عبارت دولت می تواند خریداری کند این بقیه من بدون شرط برای صاحب امتیاز خوب نیست . بنا بر این بنده پیشنهاد کردم كه هر وقت دولت خواست این راه را بگذرد اولاً شرطش موقوف شدن باج تمام راهها باشد بطوریکه آقای آقا میرزا شهاب پیشنهاد کردند .

ثانیاً از صاحب امتیاز خریداری نماید و خسارتی که از این راه وارد میشود بصاحب امتیاز بدهد که در حقیقت بصاحب امتیاز ظلم نشده باشد .

رئیس - آقای دادگر (اجازه)

دادگر - این موضوع را بنده معارض کردم بعد آقای وزیر فواید عامه در خارج فرمودند که این مسئله باید بانوافق نظر صاحب امتیاز باشد . بنده و آقای وزیر و صاحب امتیاز آمدیم و سه نفری ملاقات کردیم و این قسمت را پیشنهاد کردیم .

البته کنترات بین دولت و تقاضا کننده است و دخالت شخص ثالث در این راه مستلزم حمایت یکی از طرفین است و وقتی طرفین بيك قضیه متفق شدند دیگر مداخله شخص ثالث لغوی شود پس وقتی که آقای وزیر فواید عامه بسمت نمایندگی دولت با آقای مسعود الملک که صاحب امتیاز هستند توافق پیدا کردند آن وقت نظر بنده و نظر آقا و آقا مواضعاً از بین می رود .

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای سهراب زاده را قابل توجه میدانند قیام فرمایند .

(عده برخاستند)

رئیس - قابلاً توجه نشد . پیشنهاد آقای شریعت زاده .

شیروانی - بنده لازم نمی دانم قرائت شود .

رئیس - پیشنهاد جنابعالی نیست پیشنهاد آقای شریعت زاده است .

(اینطور خوانده شد)

پیشنهادی کنم - ماده بیست و چهار به کمیسیون ارجاع شود تا با جلب موافقت صاحب امتیاز و مطالبه در نظر مجلس باشد .

رئیس - بفرمایند .

شریعت زاده - بنده می بینم که این ماده جلب توجه عمده را کرده است و هر کدام

موافق يك اصولی با آن مخالفت میکنند و معلوم نیست که بتوان بدون يك مطالعه عمیقی این را مطابق با منافع مشروع صاحب امتیاز کرد و از نقطه نظری که نمایندگان محترم هم نظریات مختلف دارند و اعضاء کمیسیون هم مستحضر شدند و لازم است جلب موافقت صاحب امتیاز هم بشود تصور می کنم که این ماده بکمیسیون رجوع شود تا پس از مذاکره با جلب موافقت صاحب امتیاز دومرتبه بمجلس بیاید .

وزیر فواید عامه - همانطوریکه آقای دادگر فرمودند جلب موافقت صاحب امتیاز شده است .

پس این مقصود آقای شریعت زاده تأمین شده است با اینجهت محتاج نیست که باز یک تأخیری حاصل شود و مطالب بکمیسیون بر گردد و تجدید رسیدگی شود و علاوه برای اینکه گفته نشود دولت هر موقعی دلش بخواد ممکن است این امتیاز را بخرد اینجا شرط شده است که دولت این حق را ندارد که ایشرا را بخرد و همان باج را هم بگیرد و خود این قیدی که شده بزرگترین تأمین است . پس گمان میکنم این پیشنهاد مورد نداشت باشد .

رئیس - آقایانی که ارجاع ماده ۲۴ را بکمیسیون تصویب میکنند قیام فرمایند (عده برخاستند)

رئیس - تصویب نشد . پیشنهاد آقای دکتر آقایان (اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که لفظ اساسی در سطر دوم از آخر ماده ۲۴ حذف شود

رئیس - بفرمایند

دکتر آقایان - در این ماده قید شده است وقتی بنا شد دولت ایشرا را خریداری کند چه باید بپردازد و اینطور تصریح کرده است . قیمتی که برای خریداری راه بصاحب امتیاز پرداخته خواهد شد عبارت خواهد بود از کلیه مخارج اساسی ساختن راه . آقایان تصدیق میفرمایند عباراتی که در قانون نوشته می شود هر قدر صریح تر باشد بهتر است و کمتر اسباب زحمت طرفین می شود بنا بر این اساسی یعنی چه ؟

شکستن سنگ و مزد عمه اساسی است ولی اگر صاحب امتیاز برای اینکه عملیات خودش را در يك نقطه جمع بکند که بتواند زندگی کند مجبور شده است که از هزار قدمی آب را آنجا بیاورد که آب مشروب داشته باشد این خرج اساسی نیست و فرعی است و فراداد موقع خریداری ایشرا از طرف دولت با آن ترتیباتی که سابقه دارد اسباب زحمت خواهد شد و سر هر قلم گفتگویی پیدا خواهد شد که آیا این جزء خرج اساسی هست یا نه . و همان طور که صاحب امتیاز کار را آموال خودش

پنجم .

میداند و آنچه صلاح می داند خرج میکند و آن هم کم کم باید مستهلك کند وقتی نباشد که دولت آن راه را ببرد هر چه صاحب امتیاز خرج کرده باید آن را قبول کند منتهی اگر تصور این می رود که صاحب امتیاز خدای نخواستگه ممکن است از حالا درصد يك خیالات سوئی باشد که در آتی بتواند حساب تراشی بکند دولت ممکن است از حالا يك نظارتی در حق تفتیش خواهد داشت

رئیس - مخالفی ندارد (گفتند خبر)

رئیس - رأی گرفته میشود

نصرت الدوله - (اجازه میفرماید)

رئیس - بعد بفرماید آقایانیکه ماده ۲۵ را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد مواد العاقبه قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده العاقبه ذیل را پیشنهاد میکنم

وسایل نقلیه صحنه مملکتی و شیرو خورشید سرخ ایران از تأدیبه باج راه معاف خواهد بود .

دکتر امیر شریعت زاده

رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - تصور میکنم در این موضوع ضرورتی نباشد که توضیحاتی زیادی داده شود فقط باید آقایان متوجه باشند به اثرات خوبی که شیرو خورشید سرخ در ایران کرده و خدماتی که در تبریز کرده است . يك میضغانه که تقریباً چهل تخت خواب دارد در آنجا دائر شده و هم چنین خدماتی که به سیل زدگان بیرجند و جاهای دیگر کرده است و البته مجلس شورای ملی باید مساعدت عملی نسبت به این قضیه بکند و مخصوصاً در جاهای دیگر که هائی که به صلیب احمر می شود باید يك سرمشقی باشد که ما هم همیشه این مسئله را در نظر داشته باشیم که نسبت باین مسئله يك تشویقی شده باشد .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده اساساً با موافقت کردن معنوی حفظ الصحنه موافقم چنانچه کمیسیون این ماده را از همین نقطه نظر قبول کرده که سالی دو هزار تومان مخارج عملی بشود .

بنده با الفاظ موافق نیستم شیرو خورشید سرخ که رد شد معاف باشد البته شیرو خورشید سرخ در همه جا معاف است این عملی نیست ما باید وجهت را ملاحظه کنیم از جهت حفظ الصحنه این بود که صاحب امتیاز خودش هم حاضر شد که سال دو هزار تومان مخارج حفظ الصحنه بکند اما نباید وسائلی نقلیه باستاند این اساس معاف شود .

رئیس - رای میگیریم بقبول توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقت قیام فرمایند .

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . ماده العاقبه پیشنهادی آقای تدین (اینطور خوانده شد)

پیشنهاد میکند ماده ذیل بعنوان ماده العاقبه تصویب بشود .

ماده العاقبه صاحب امتیاز بدون تصویب مجلس شورای ملی حق شرکت با اتباع خارجه نخواهد داشت

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - نسبت به شرکت با اتباع خارجه در این امتیاز نامه بطور صریح منعی نشده است در ماده شش اجازه میدهد بصاحب امتیاز که بر طبق قوانین شرکت ایران می تواند با اتباع داخله شرکت نماید در ماده هفت منع می کند هر نوع از انواع انتقالات این امتیاز را به اتباع خارجه ولی شرکت را اسم نبرده است .

ماده هفت این است (این امتیاز بهیچ نحوی از انحاء قابل انتقال به اتباع خارجه نیست) و این يك اصلی است و بعضی مطالب اگر منع صریح در قانون نداشته باشد ممکن است در يك موقعی مجوزی برایش فرض شود بنا بر این برای جلوگیری از این احتیاط و برای اینکه در يك موقعی از این عدم منع صریح استفاده نشود و صاحب امتیاز با اتباع خارجه شرکت نکنند بنده پیشنهاد کردم در هر موقعی که بخواهد ابتکار را بکند با تصویب مجلس شورای ملی باشد

مغیر - بنده گمان میکنم پیشنهاد آقای این مسئله را که در عداد متنوعات است معروض جواز واردش میکند زیرا طوری پیشنهاد شده که متنوع نیست نهایت باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد .

در صورتیکه مقصود این است که بهیچ نحوی از انحاء جزء و کلا قابل انتقال بخارجه نیست و اگر چنانچه برخلاف این رفتار کرد این قانون لغو خواهد شد و همانطور که عرض کردم و حالاً هم تکرار میکنم پیشنهاد آقایان مسئله را در معرض جواز مغالقم و نمیتوانم بپذیرم

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای تدین را تصویب میکنند قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده العاقبه دیگر .

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم آخر ماده ۲۵ بطریق ذیل اصلاح شود

این وجه مذکور در ماده ۲۵ صحنه

مملکتی توسط صاحب امتیاز مصرف خواهد رسید و اقدامات صحنی از تاریخ شروع به ساختن راه بعمل خواهد آمد . امیراعلم

رئیس - پیش نهاد کننده حاضر نیستند

نصرت الدوله - بنده قبول میکنم

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - آقای امیراعلم قبل از اینکه تشریف ببرند مخصوصاً این مسئله را ببینند تذکره دارند خواهش کردند نظر ایشان را برض آقایان برسانم

در ماده بیست و پنج تصدیق شده است که وجهی برای صحنه عملیاتی که در اینجا کار میکنند مصرف شود ولی مطابق آن مفهومی که ماده ۲۵ دارد این بدان تمام شدن این کار است و سه سال چهار سال طول مدت ساختن این راه است و البته وقتی که مقصود کمک کردن به عملیات باشد از روز اولی که این عمل شروع بکار کند باید گنه داشته باشد .

جزء اول این پیشنهاد است که باید در تحت نظر صحنه باشد و جزء ثانیش این است که از بدو شروع بکار عمه استفاده بکند و چون خواسته بودند انتظار ایشان را برض آقایان برسانم

عرض کردم که مقصودشان فقط این است که از بدو شروع بکار در اولی باشد در آنجا حاضر باشند و منتظر این نباشند که دوسه سال طول بکشد تا این راه تمام شود

مغیر - اگر آقایان فرض بکنند که این پول از جیب خودشان بیرون می آید بنده گمان میکنم بسیاری از این پیشنهادها را نمیکنند

بچاره مظلوم آمده است يك راهی بسازد و يك استفاده بکند .

میفرماید آفتاب نمر ز رعایت شود دو هزار تومان برای صحنه بدهد

تفتیش شود چه شود چه شود بنده عرض میکنم آقایان ملاحظه بکنید .

این آدم باید يك پولی تهیه کند برای ساختن این راه در موقعی که این آدم دارد جان میکند برای تهیه پول شما میفرمائید این پول در تحت نظر صحنه و يك مفتشی بفرستند

این مسائل هیچ ازومی ندارد آقایان پس از آنکه این آدم شروع کرد باخذ باج راه آنوقت سالی دو هزار تومان تخصیص میدهد برای صحنه عملیات

رئیس - آقای فاطمی (اجازه)

فاطمی - بنده تماضای تجزیه میکنم ماده العاقبه ایشان دو جهت دارد یکی این که بوسیله اداره صحنه بصرف برسد بنا بر این تماضای تجزیه میکنم

رئیس - قرائت میشود

(اینطور خوانده شد)

وجه مذکور در ماده ۲۵ در تحت نظر صحنه مملکتی بصرف خواهد رسید

رئیس رای میگیریم بقبول توجه بودن این قسمت آقایان موافقت قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . قسمت دوم (اینطور خوانده شد)

اقدامات از تاریخ شروع بساختن راه بعمل خواهد آمد

رئیس رای میگیریم بقبول توجه بودن قسمت دوم موافقت با قسمت دوم قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس تصویب شد که پیشنهاد آقای دستغیب (شرح ذیل قرائت شد)

ماده العاقبه را پیشنهاد میکنم

وسائلی نقلیه حفظ الصحنه از حق العبور معاف باشد

بعضی از نمایندگان - رد شده است

رئیس - شیرو خورشید هم ضمیمه بود

بعضی از نمایندگان - هر دو رد شده است

رئیس - تجزیه نشده بود که هر دو رد بشود .

آقای دستغیب (اجازه)

دستغیب - شبهه با آقایان وارد شده است که پیشنهاد بنده رد شده است خیر بنده این پیشنهاد را در عین پیشنهاد رد شده نمیدانم

آقای کازرونی میفرمایند که آقایان فکر کنند که از جیب خودشان میدهند عرض میکنم بله آقایان فکر را میکنند یکی دیگر ارجح مسئله اینست که کلمه در مجلس انکاس پیدا کرده است که نمیشود آدم هم ببرد که اگر عمه و کارگر ناخوش شد چه شود با کمال قوت قلب میگویند عمه و کارگر که ناخوش شد گنه گنه برایش حمل کنند و از حق العبور معاف نباشد .

(همه هم بین نمایندگان - صدای زنک رئیس دستغیب - البته آقایان تصدیق میفرمایند که من صدای بلند از حرف نامتقم و صدای بلند است .

بالاخره معنی حرفشان این است که نباید برای عمه و کارگر بگر کرد که ناخوش نشود بنده عرض میکنم چه ضرد دارد خود صاحب امتیاز هم قبول کند در وقتی که میخواهند برای کارگرها از این شهر با شهر و وسائل حفظ الصحنه را ببرند

از حق العبور معاف باشد ؟ حالا نیرانم از روی چه منطقی آقایان عصبانی میشوند که خیر صاحب امتیاز قبول نمیکند آخر باید نکر کرد که آن بیچاره عملیات و کار گرها و وسائل حفظ الصحنه بخواهند .

مغیر - اگر چه رفقای بنده فکر تکلیف کردند که جواب آنها ندهیم اما چکنم بنده هم مثل ایشان همان گنه که را که آقا میفرمایند عملیات وارد کنند ممکن است آن چند واگون گنه گنه را بگذارند توی جیبشان و بیارند و بنده با آقا اطمینان میدهم که صاحب امتیاز بیش از آقا دلش برای عمه اش میشود این شخص نیامده است امتیاز بگیرد مثلاً اینکه بنده تصریحاً حرف میزنم ایشان يك آدم عملی هستند

آمده اند پولی خرج کنند راه بسازند اگر من طرفه از عمه شدم در شور بستم که خودم عملاً نشان بدهم که طرفه عمه هستم و نباید مانع تراشی کرد

برای يك کسی که آمده است و يك قسمت از مملکت را میخواهد آباد کند بنده عرض میکنم در عرض این اشکال تشویق بکنند که سایرین هم میل کنند امتیاز بگیرند و سرمایه شان را بکار آورند

رئیس - آقایانی که ماده العاقبه پیشنهادی آقای دستغیب را تصویب میکنند قیام فرمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس - رد شد . پیشنهاد آقای نظامی (شرح ذیل قرائت شد)

ماده العاقبه را پیشنهاد میکنم نقلیه اداره قشونی و صحنه مملکتی از تأدیبه حق العبور معاف خواهند بود

رئیس بفرماید

نظامی - اینجا نقلیه قشونی گویند مادامی زاده نوشته شده و بنده تصور نمیکنم که این پیشنهاد بنده قرائت شود از این جهت استرداد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای شریعت زاده قرائت میشود (شرح آتی قرائت شد)

ماده العاقبه - اسناد دولت بتخلف صاحب امتیاز از مواد این امتیازنا و انحاء آن همیشه منوط باستتکاف صاحب امتیاز از زمین حکم یا صدور حکم از هیئت حکمیت بوفوع تخلف از مقررات این امتیاز نامه خواهد بود .

شریعت زاده داور

رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - در ماده بیست و دو این قانون مینویسد (در صورت عدم اجرای هر يك از مواد ۲۳ تا ۲۶ بازده سیزده چهارده و شانزده از طرف صاحب امتیاز وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه بصاحب امتیاز اخطار میکنند) بقیه بنده در اینجا باستی معین شود که

نشخص وقوع تخلف بجه ترتیب باید بعمل آید .
 اگر بگوئیم وزارت مالیه عامه است که اخطار کرده این صحیح نیست بعقیده بنده موردی که وزارت فواید عامه بتواند باستناد تخلف از مواد امتیاز در مقام الغاء امتیاز بر آید موردی است که یا صاحب امتیاز از تعیین حکم استتکاف نماید یا اینکه در نتیجه رسیدگی و صدور حکم از طرف حکما معلوم شد که تخلف وارد شده است و استناد وزارت فواید عامه بان تخلف موقیت قانونی دارد از این نقطه نظر است که بنده این ماده الحاقیه را پیشنهاد کردم و تصور میکنم قابل موافقت باشد
 وزیر فواید عامه - این پیشنهاد آقای شریعت زاده يك عیبی دارد در صورتیکه مقصودشان تأمین شد است و عیبش این است که اگر بای نحو کان مطلب را بحکمیت موکول کنند حتما آن دو ماه یا یکماه موقعه که برای حکمیت مقرر شده است اسباب تأخیر اینکار بشود
 در صورتیکه اصل مقصود ایشان اینست که نسبت بصاحب امتیاز يك تجاوزی نشود قصد دیگری که ندارند؟ ماده ۲۲ و ۲۳ توأم این مقصود ایشان را کاملا تأمین کند و هیچ احتیاج باین پیشنهاد نیست . ماده بیست و دوم جزای عدم اجرای مواد این امتیازنامه است چه جزائی دارد عدم اجرای مواد این امتیازنامه بطالان با وجود این بطور قطع نیست میگوید باید قبالا اخطار شود و باز هم مهلتی برای جبران گذاشته است یکماه هم مهلت گذاشته اند که اگر صاحب امتیاز تخلفی را جبران کرد باز آن مورد استعمال جزا فوت میشود . آمدیم در مواردی که خود صاحب امتیاز هم از عان کرد که تخلفی از امتیازنامه کرده آیا این هم باید بحکمیت مراجعه شود ؟ از دو حال خارج نیست یا اخطاری را که دولت کرد صاحب امتیاز قبول میکند یا نمیکند . اگر قبول کرد که محتاج بحکمیت نیست زیرا خود طرف قبول دارد اختلافی در بین نیست که مراجعه بحکمیت شود و اگر قبول نکرد مراجعه ماده ۲۳ میشود ماده ۲۳ چه میگوید؟ میگوید : هر گونه اختلافانی راجع بمسائل مربوطه بمواد این امتیازنامه بین دولت و صاحب امتیاز تولید گردد موضوع اختلاف بدون فر حکم که یکی از طرف وزارت فواید عامه دیگری از طرف صاحب امتیاز تعیین خواهد شد مراجعه میشود دولت اخطار میکند که شما در فلان مورد تخلفی از امتیازنامه کرده اید صاحب امتیاز می گوید خیر من تخلف نکرده ام این مورد اختلاف میشود آنوقت طرفین باید فوراً بحکم مراجعه کنند و هر يك از طرفین که در تعیین حکم استتکاف کرد فوراً حق خودش را از دست داده و باطل کرده است . این دو ماده دیگر این پیشنهادها مورد

ندارد جز اینکه دائره را محدود تر میکند یعنی اگر هم قبول کند که تجاوز و تخلفی کرده است باز مطابق پیشنهاد سرکار مجبور است قضیه بحکمیت رجوع شود در صورتی که لازم نیست
 رئیس - آقایانیکه ماده الحاقیه پیش نهادی آقای شریعت زاده را قابل توجه مینمایند قیام فرمایند
 (چند نفر قیام نمودند)
 رئیس - قابل توجه نشد ماده الحاقیه آقای تقی زاده
 (بشرح آتی خوانده شد)
 پیشنهاد میکنم بشکل ماده الحاقیه علاوه شود
 انتقال این امتیاز بیک دولت خارجی نیز در حکم انتقالات و سایر معاملات مذکور در ماده ۷ خواهد بود
 رئیس - آقای تقی زاده
 (اجازه)
 تقی زاده - توضیح مفصل لازم ندارد وقتیکه در ماده ۷ مذکور میشد بنده خواستم این پیشنهاد را بکنم موقع فوت شد یعنی رای دادند و گذشت
 چون فقط لفظ اتباع خارجه نوشته شده بود و شاید مشکوک باشد که بدولت خارجی هم شامل میشود لهذا برای توضیح این مطلب زای پیشنهاد کردم
 وزیر فواید عامه این مطلب صحیح است و گمان میکنم از طرف کمیسیون هم قبول شود طبیعی است وقتی صاحب امتیاز حق نداشته باشد بان تابع دولت خارجه انتقال بدهد بدولت خارجه بطریق اولی حق نخواهد داشت
 مخبر - صحیح است قبول میکنم .
 رئیس خوب رای گرفته میشود (رای قطعی)
 آقایانیکه این ماده الحاقیه را تصویب می کنند قیام فرمایند
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس تصویب شد
 بقیه مذاکرات میماند برای جلسه بعد .
 مخبر شعبه اول راجع بنمایندگی آقای آفاسید علاءالدین قرائت میشود
 آقای روحی مخبر شعبه احضار و رایورت مزبور را بشرح ذیل قرائت نمودند
 خبر از شعبه اول بمجلس شورای ملی .
 انتخابات ایوانکی . خوار و ورامین در تاریخ نهم شوال ۱۳۴۱ . بامر وزارت داخله شروع و نسبت ایوانکی در غره ذی قعدة ۱۳۴۱ بانتهار رسیده .
 سپس انتخابات خوار در روز دهم ربیع الثانی ۱۳۴۱ آغاز در غره جمادی ایثانی همان سال انجام یافته
 بعداً انتخابات ورامین از ششم رمضان ۱۳۴۲ شروع و جریانات قانونی خود را تا

بیست و نهم شوال ۱۳۴۲ ادامه داده در این بین انتخابات قسمت اخیر الذکر مصادف با استقرار حکومت نظامی گردیده و بقیه انتخابات آنجا را فوراً دچار وقفه و تعطیل گشته
 بنا بر این وزارت داخله از لحاظ اختتام باقیمانده انتخابات ورامین حکومت نظامی را در آن صفا از چهاردهم رمضان ۱۳۴۳ بکلی ملغی و جریانات قانونی انتخاباتی آن حدوداً در تانی امر بشروع داده و در چهارم ذی قعدة ۱۳۴۳ کلیه انتخابات ورامین باز عایت قوانین موضوعه بایان رسیده و از کلیه آراء مأخوذه آقای آفاسید علاءالدین (اعتماد الاسلام) با کثرت چهار هزار و شصت و شانزده رأی نمایندگان ایوانکی و خوار ورامین انتخاب و مبعوث شده اند .
 بشبه اول بامراجعه بدوسیه انتخابات قسمت های سه گانه و تدقیقات لازمه صحت انتخابات و نمایندگی آقای آقا سید علاءالدین را تصدیق نموده از نظر صلاحیت شخصی و سوابق خدمات مهمه اجتماعی و آزادی خواهی معظم له را بوکالت آن حوزه بمجلس شورای ملی معرفی مینمایند .
 رئیس - آقایانیکه نمایندگی آقای آفاسید علاءالدین را تصویب می کنند قیام فرمایند .
 (اغلب برخاستند)
 رئیس - تصویب شد .
 دو فقره خبر از کمیسیون عرایض و مرخصی رسیده است آنهم باید تکلیفش معلوم شود
 (باین مضمون قرائت شد)
 آقای شیروانی نماینده محترم مشروح بمجلس شورای ملی عرض و اظهار نمودند که چندین سال است از اصفهان وطن خود دور هستم و نظر بلزوم سرکشی بملاقات و بستگان خود و نظر باینکه این اوقات مصادف با ایام تابستان و ماه محرم میباشد و غالباً مجلس تعطیل و کارهای مهمی در جریان نیست استعدای ۲ ماه مرخصی نموده اند که در ظرف دو ماه امورات موقعه خویش را انجام داده مراجعت نمایند کمیسیون هنر ایشان را بمورد نداشته از پنجم تیر ماه لغایت شهریور ماه تصویب می نماید .
 رئیس - آقای شیروانی
 (اجازه)
 شیروانی - چون موقع تصویب بتاخیر افتاده است بنده استدعا میکنم ۱۰ تیر ماه رای گرفته شود .
 رئیس - آقایانی که مرخصی آقای شیروانی را تصویب می کنند قیام فرمایند
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد .
 آقای میرزا سلیم خان ایزدی نماینده محترم بواسطه کسالت مزاج برای معالجه از مجلس شورای ملی درخواست ۴ روز

مرخصی نموده اند که از پنجم تیر باده ابتدای مرخصی شان محسوب بشود کمیسیون تقاضای ایشان را بشروع دانسته تصویب می نماید .
 رئیس آقایانی که مرخصی چهل روزه آقای ایزدی را تصویب میکنند قیام فرمایند .
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد . دستور روز سه شنبه اولاً .
 راجع بر امر بندر جز مطالبی که بکمیسیون مراجعه شده است اگر راپریش حاضر شده باشد .
 ثانیاً شور و درم کمیسیون فواید عامه راجع بالغاء منع صدور پوست بره
 ثالثاً شور اول خبر کمیسیون فواید عامه بفرامین مدت
 وزیر مالیه - يك لایحه از طرف دولت تقدیم مجلس شورای ملی می کنیم راجع بتصفیه مطالبات متفرقه و الاحضرت ولایت عهد که يك ترتیبی برای آن اتخاذ شود و همچنین لایحه اعتبار یکصد و نهم راجع به خرد و تیر ماه تقدیم میشود
 رئیس - آقایانیکه
 اجازه
 اخگر - اصلاح ماده ۳۶ نظامنامه داخلی را کمیسیون مبتکرات پیشنهاد فوریت کرده است تقاضا میکنم جزء دستور جلسه آتی شود
 رئیس - راجع بقابل توجه بودنش می فرمائید ؟
 اخگر - بلی
 رئیس مغالفتی ندارد ؟
 گفته شد مخبر
 آقای رضوی .
 اجازه
 رضوی - لایحه پوست بره که از طبع در آمده تقاضا میکنم جزو دستور جلسه آتی
 بعضی از نمایندگان - جزو دستور شد .
 رئیس - آقای روحی
 اجازه
 روحی - بنده میخواستم از کمیسیون قوانین مالیه راجع بقانون ممیزی يك سؤالی کرده باشم هر چه مرجع مالیاتی ایران در این موقع نمایندگان از مجلس خارج میشوند
 روحی - اجازه می فرمائید جلسه دیگر عرض کنم
 مجلس ده دقیقه قبل از ظهر ختم شد
 رئیس مجلس شورای ملی - حسین پیرنیا
 منشی م . شهاب
 منشی دکتر احتشام طباطبائی